

الگوی مفهوم‌سازی زمان در قرآن: تحلیل شناختی و بازتاب در ترجمه‌های فارسی

آسیه ذوعلم^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۱۲/۰۷ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۲/۱۵)

چکیده

زمان مفهومی انتزاعی و در عین حال اساسی است که در زبان‌های گوناگون غالباً از طریق مفاهیم عینی‌تری چون مکان و بهره‌گیری از استعاره‌های جهت‌یابی بازتاب می‌شود. تفاوت‌های فرهنگی و زبانی در نگرش به زمان، به شکل‌گیری الگوهای متفاوتی از مفهوم‌سازی آن می‌انجامد. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی، ضمن تبیین چگونگی مفهوم‌سازی زمان در زبان عربی قرآنی، به بررسی و ارزیابی بازتاب این الگوی مفهومی در تعدادی از ترجمه‌های فارسی قرآن می‌پردازد. در زبان‌های فارسی و انگلیسی و حتی عربی معاصر، با استعاره‌های جهت‌یابی مشابه، زمان بر اساس توجه به عنصر «حرکت رو به جلو» مفهوم‌سازی می‌شود. این در حالی است که در واژگان تثبیت‌شده زبان عربی با دو مفهوم مکانی و زمانی ریشه و نیز در کاربردهای واژگانی از این دست در قرآن، گونه دیگری از مفهوم‌سازی بروز دارد که بر اساس عنصر «شهودیت»، گذشته را در جهت جلو و آینده را در پشت سر تصویر می‌کند. به نظر می‌رسد تحول مفهوم‌سازی زمان در زبان عربی از عصر نزول تا روزگار کنونی، در اثر اختلاط فرهنگی و گرت‌برداری‌های زبانی صورت گرفته است. بررسی شش ترجمه فارسی قرآن نشان می‌دهد هیچ یک هماهنگی معناداری در تبیین واژگان زمانی برگرفته از حوزه مکان ندارند؛ که این امر بیانگر عدم توجه به تفاوت الگوی شناختی میان زبان‌هاست.

کلید واژه‌ها: مفهوم‌سازی زمان، استعاره‌های جهت‌یابی، قرآن، رویکرد شناختی، ترجمه.

۱. بیان مسئله

کاربست مفاهیم و نظریه‌های زبان‌شناسی جدید در فهم و تفسیر قرآن کریم، از جمله موضوعاتی است که در دهه‌های اخیر توجه قرآن‌پژوهان را به خود جلب کرده است. در این میان، تحلیل زبان قرآن بر پایه دستاوردهای زبان‌شناسی شناختی - که زبان را بازتابی از ساختارهای ذهنی و تجربیات زیسته انسان تلقی می‌کند - به عنوان یکی از رویکردهای پرکاربرد در مطالعات قرآنی مطرح است. این نگرش با اصل قرآنی سخن گفتن پیامبران به زبان قوم خویش^۱ هم‌خوانی دارد؛ که بر آشنابودن و فهم‌پذیری زبان وحی برای مخاطبان اولیه تأکید می‌ورزد و زمینه را برای تطبیق یافته‌های زبان‌شناسی با بیانات قرآن کریم فراهم می‌سازد. بر این اساس، بررسی سازوکارهای زبانی و مفهومی ذهن انسان و نحوه تجلی آن‌ها در زبان، می‌تواند چشم‌اندازهای تازه‌ای در تحلیل معانی و مفاهیم قرآنی پیش روی پژوهشگران بگشاید.

زبان‌شناسی شناختی ریشه در علوم شناختی دارد و بر این فرض استوار است که ذهن انسان بازنمایی‌کننده جهان بیرونی و زبان بازتاب‌دهنده این ذهنیت است. در چارچوب معناشناسی شناختی، نظریه استعاره‌های مفهومی به عنوان یکی از دستاوردهای محوری مطرح می‌شود؛ که نشان می‌دهد درک مفاهیم تازه و پیچیده در ذهن انسان از رهگذر مفاهیم آشنا و ملموس صورت می‌گیرد. این سازوکار در سطح زبان، از طریق به‌کارگیری واژگان و ساختارهای مربوط به حوزه‌های تجربی و عینی برای فهم مفاهیم انتزاعی نمود می‌یابد. تفاوت در نحوه به‌کارگیری استعاره‌های مفهومی، که ریشه در تفاوت‌های فرهنگی و تجربیات زیسته کاربران زبان‌ها دارد، از عوامل مهم تمایز میان زبان‌ها به شمار می‌رود. واژگان هر زبان بازتاب‌دهنده شیوه خاص آن زبان در سازمان‌دهی مفاهیم ذهنی است؛ امری که در تفاوت میان تنوع واژگانی مفاهیم و تقسیم‌بندی حوزه‌های معنایی در زبان‌های

۱. «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ» (ابراهیم، ۴).

مختلف قابل مشاهده است.

یکی از رایج‌ترین الگوهای استعاری در بازنمایی مفاهیم انتزاعی، بهره‌گیری از مفاهیم مکانی برای درک و مفهوم‌سازی زمان است. هرچند این شیوه استعاری به‌صورت کلی در همه زبان‌ها مشاهده می‌شود، چگونگی تحقق و کاربرد آن در فرهنگ‌های گوناگون می‌تواند تفاوت‌های قابل توجهی داشته باشد. از سوی دیگر یکی از مسائل مورد توجه پژوهشگران، بر اساس تفاوت استعاره‌های مفهومی در فرهنگ‌های مختلف، بحث ترجمه متون است. ارزیابی ترجمه‌ها از این منظر، بر مبنای مقایسه تأثیر شناختی متن مبدأ در مخاطب نسبت به متن مقصد شکل می‌گیرد. این پژوهش با هدف تبیین چگونگی مفهوم‌سازی استعاری زمان در زبان عربی و بررسی تأثیر آن بر ترجمه آیات قرآن در پی پاسخگویی به دو سؤال محوری است: ۱- الگوی مفهوم‌سازی استعاری زمان بر پایه مکان در زبان عربی قرآنی چگونه است و چه تمایزی با زبان‌های فارسی و انگلیسی دارد؟ ۲- این الگوی مفهوم‌سازی تا چه اندازه در ترجمه‌های فارسی قرآن بازنمایی شده است؟ در این راستا، ضمن تبیین مفاهیم نظری، نمونه‌هایی از واژگان حوزه مفهومی زمان - مفاهیم مرتبط با گذشته و آینده - و ارتباط آن‌ها با واژگان حوزه زمان، با تکیه بر شواهد قرآنی بررسی می‌شود. در ادامه، روش برخی از مترجمان برجسته قرآن در بازنمایی این‌گونه کاربردها ارزیابی می‌شود.

۲. مقدمه

«زمان» از جمله مفاهیم بنیادین در تجربه انسانی است که از دیرباز در حوزه‌های مختلف علمی، از فلسفه و روان‌شناسی تا فیزیک کلاسیک و نوین، مورد بررسی قرار گرفته است. این مفهوم در معناشناسی شناختی نیز جایگاهی برجسته دارد؛ به‌گونه‌ای که از محوری‌ترین نمونه‌های استعاره‌های مفهومی به حساب می‌آید و با توجه به تفاوت فرهنگ‌های مختلف در نحوه مفهوم‌سازی زمان، بررسی این مقوله امکان درک دقیق‌تر

مفاهیم مرتبط با آن را در متون زبان‌های مختلف فراهم می‌سازد. بر همین اساس دستاوردهای حاصل از بررسی مفهوم‌سازی زمان در زبان عربی به‌ویژه در قرآن کریم، می‌تواند منجر به دریافت نکات مفهومی دقیق‌تری از متن شود. در پی چنین نگرشی، ترجمه‌پذیری با رویکرد شناختی، با شناخت شباهت‌ها و تفاوت‌ها در سامانه‌های مفهومی زبان‌های مبدأ و مقصد قابل بررسی است؛ که از این منظر، ترجمه استعاره‌های مفهومی باید اثری مشابه زبان مبدأ در گویشوران زبان مقصد بر جای گذارد. از این رو، شناخت دقیق تفاوت‌ها در سازوکار بهره‌گیری از مفاهیم ملموس برای بازنمایی مفاهیم انتزاعی در دو زبان مبدأ و مقصد، امکان ارزیابی عملکرد مترجمان را فراهم می‌آورد. پس از بررسی مفاهیم زمانی برگرفته از حوزه مفهومی مکان در زبان عربی، شناخت ترجمه‌های فارسی قرآن به منظور ارزیابی درستی انتقال این مفاهیم از منظر شناختی، حائز اهمیت است.

۲-۱. پیشینه و نوآوری

پیشینه پژوهش حاضر را می‌توان در سه محور اصلی دسته‌بندی کرد: مطالعات مربوط به مقایسه مفهوم‌سازی زمان بر اساس مکان در زبان‌های مختلف، پژوهش‌های ناظر به استعاره‌های مفهومی زمان در زبان عربی و قرآن کریم، و تحقیقات مرتبط با ترجمه استعاره‌های مفهومی قرآن.

در محور نخست، پژوهش‌هایی به بررسی مفهوم‌سازی زمان بر پایه مکان در زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف پرداخته‌اند. از جمله، یو در کتاب *The Contemporary Theory of Metaphor: A Perspective from Chinese* (1998) استعاره‌های مفهومی، از جمله استعاره‌های زمان را در زبان چینی تحلیل کرده است. همچنین مقاله «With the Future Behind Them» (Núñez & Sweetser, 2006) تفاوت الگوی مفهوم‌سازی زمان در زبان آیمارا و انگلیسی را نشان می‌دهد. در مقاله «A Comparative Study of the Conceptual Metaphors of Time in Persian and English» (Golfam et al., 2019) نیز این الگوها در زبان‌های فارسی و انگلیسی مقایسه شده‌اند.

در محور دوم، برخی مطالعات به بررسی استعاره‌های مفهومی زمان در زبان عربی و در قرآن کریم اختصاص یافته‌اند. مقاله «When You Think About It, Your Past Is In Front of You: How Culture Shapes Spatial Conceptions of Time» (de la Fuente et al, 2014) با پژوهشی میدانی به بررسی مفهوم‌سازی زمان در فرهنگ عربی می‌پردازد و بیان می‌کند در ذهن گویشوران عربی (مراکشی) -بر خلاف زبان آن‌ها- بر اساس برجسته بودن «تمرکز توجه» به گذشته، گذشته با جلو و آینده با پشت نشان داده می‌شود. مقاله «مطالعه مدل‌های شناختی زمان در متن قرآن، بر اساس نظریه استعاره‌های مفهومی» (قائمی و ذوالفقاری، ۱۳۹۸) بهره‌گیری قرآن را از الگوهای استعاری متنوع، برای تبیین مفهوم انتزاعی زمان نشان می‌دهد و مقاله «بررسی شناختی استعاره‌های حوزه مفهومی اسماء زمان در قرآن کریم» (نظری و موسوی بفرولی، ۱۳۹۹) حوزه‌های استعاری متعددی از جمله مکان، جسم، ثروت، حرکت و موجود زنده را برای مفهوم زمان در قرآن شناسایی می‌کند. در مقاله «How Much of the FUTURE Is BEHIND in Arabic? A View on the Arabic Culture and Embodiment» (Almirabi. M. M., 2021) با بررسی شواهد زبانی آنلاین و نیز سنجش گویش بومی عربی حجازی-سعودی، در فرهنگ معاصر عربی، استعاره «آینده جلو است» برجسته شده است.

در محور سوم، پژوهش‌هایی به ترجمه استعاره‌های مفهومی قرآن اختصاص یافته‌اند. احمد (۲۰۲۲) در مقاله «The Translation of Orientational Metaphors in Qur'an: A Cognitive-Based Study» به بررسی ترجمه استعاره‌های جهت‌ی در چند ترجمه قرآن پرداخته است، اما نمونه‌های چالش‌برانگیز این نوع استعاره‌ها را پوشش نداده است. السویدی و همکاران (۲۰۲۱) در مقاله «Translating Conceptual Qur'anic Metaphor: A Cogno-Translational Approach» نشان می‌دهند که ترجمه تحت‌اللفظی استعاره‌های مفهومی قرآن اغلب قادر به انتقال مفهوم شناختی و فرهنگی نیست و در برخی موارد از نظر شناختی و فرهنگی نامناسب است.

این پیشینه نشان می‌دهد مطالعه‌ای جامع و مستقل درباره مفهوم‌سازی استعاری زمان بر اساس مکان در زبان عربی قرآنی و پیامدهای ترجمه‌ای آن وجود ندارد. این خلأ پژوهشی ضرورت انجام تحقیقی نظام‌مند برای تحلیل استعاره‌های زمانی - مکانی در قرآن و بازتاب آن‌ها در ترجمه‌ها را آشکار می‌سازد.

۲-۲. روش پژوهش

در پژوهش حاضر چگونگی مفهوم‌سازی زمان در زبان قرآن، با استفاده از استعاره‌های مفهومی در رویکرد شناختی بررسی می‌شود. به منظور یافتن الگوی استفاده از واژگان حوزه مفهومی مکان برای بازنمایی مفهوم انتزاعی‌تر زمان در قرآن، یافتن واژگان یا ریشه‌هایی در زبان عربی که در هر دو حوزه مکان و زمان کاربرد دارند، مد نظر قرار می‌گیرد. علاوه بر این کاربردهای قرآنی استعاره حوزه مفهومی مکان برای حوزه مفهومی زمان استخراج می‌شود. سپس این نمونه‌ها پردازش و طبقه‌بندی می‌شود تا بر مبنای الگوهای رایج شناخته‌شده در زبان‌های مختلف برای این استعاره مفهومی، الگوی استعاری زمان بر مبنای مکان در قرآن به دست آید. در مرحله بعد چگونگی بازنمود این الگو در ترجمه‌های مشهور قرآن به زبان فارسی شامل انصاریان، صفوی (بر اساس تفسیر المیزان)، رضایی، فولادوند، مکارم و مشکینی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا تأثیر شناختی این استعاره مفهومی در ترجمه‌ها نسبت به متن اصلی قرآن ارزیابی شود؛ که منظری جدید برای ارزیابی ترجمه‌های قرآن به حساب می‌آید.

۲-۳. مفاهیم نظری پژوهش

زبان‌شناسی شناختی رویکردی در علم زبان‌شناسی است که به تحلیل زبان از منظر علم شناخت می‌پردازد. در این نگرش، از سویی ذهن، ابزاری برای پردازش و بازنمود جهان خارج به حساب می‌آید، و از سوی دیگر زبان، به مثابه ابزاری برای سامان‌دهی،

پردازش و انتقال اطلاعات مورد مطالعه قرار می‌گیرد. به عبارتی، ذهن انسان از طریق تجربه‌های محیطی (که فرهنگ را شامل می‌شود)، جهان را در می‌یابد و سپس با استفاده از زبان، اطلاعات ذهنی را سامان می‌دهد، می‌پردازد و منتقل می‌کند (افراشی، ۱۹، ۲۰ و ۲۶).

۲-۳-۱. نظریه استعاره‌های مفهومی و مفهوم‌سازی زمان بر اساس مکان

نظریه استعاره مفهومی، یکی از دستاوردهای بنیادین معنی‌شناسی شناختی است. طبق این نظریه، شناخت انسان از بسیاری مفاهیم، بر اساس شناخت او از مفاهیمی ملموس‌تر شکل می‌گیرد و سپس این نگرش در زبان بروز می‌یابد. به عبارتی استعاره تنها پدیده‌ای زبانی نیست بلکه از چگونگی تفکر و شناخت انسان سرچشمه گرفته است (Lakoff & Johnson, 7). علاوه بر این که یک مفهوم می‌تواند به صورت استعاری بر حسب مفهوم دیگری ساختار یابد، گاه یک مجموعه کلی از مفاهیم بر اساس مجموعه‌ای دیگر، و با نگرشی فضایی بیان می‌شود. از آنجا که در بیشتر موارد این نوع استعاره با جهت‌گیری فضایی (بالا پایین، درون بیرون، جلو عقب و ...) همراه است، آن را استعاره جهتی^۱ نامیده‌اند. این جهت‌گیری‌های استعاری دلخواه یا تصادفی نیستند و پایه‌ای در تجربه‌های بدنی یا فرهنگی ما دارند. استعاره‌های جهتی، که مبتنی بر جهات طبیعی صورت می‌گیرد، می‌تواند از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت باشد (Ibid: 15).

از مهم‌ترین مفاهیم انتزاعی که در زبان‌شناسی شناختی، بازنمایی آن بر اساس استعاره‌های مفهومی بررسی شده، مفهوم «زمان» است. در همه زبان‌ها مکان و در پی آن حرکت، به عنوان اموری ملموس و عینی، راهی مهم برای شناخت مفاهیم حوزه زمان شمرده می‌شود. اگرچه این امر به طور کلی در همه زبان‌ها به چشم می‌خورد، بررسی زبان‌های مختلف تفاوت‌هایی را در نوع این مفهوم‌سازی و یا به بیان دیگر نحوه به‌کارگیری مفاهیم مکانی برای بازنمایی مفاهیم زمانی نشان می‌دهد (Boroditsky, 62-65).

1. orientational metaphor

در بخشی از یونان باستان زمان بر اساس حرکتی مداری مفهوم‌سازی می‌شده است. برخی منشأ این نگرش را در تأثیر علم نجوم و توجه فیلسوفان یونانی به نظم مداری جهان دانسته‌اند (دستلان و همکاران، ۳۸، به نقل از Turetzky, 32-35). در مقابل در بیشتر زبان‌های امروزی، زمان بر اساس حرکت محوری (خطی) مفهوم‌سازی می‌شود. در مفهوم‌سازی زمان با حرکت خطی نیز تفاوت‌هایی میان زبان‌های مختلف وجود دارد. در زبان چینی ماندارین^۱ زمان بر اساس حرکت روی یک محور عمودی مفهوم‌سازی می‌شود که از بالا به پایین در حرکت است. یعنی زمان زودتر و دیرتر به ترتیب با بالاتر و پایین‌تر بیان می‌شوند (Yu, 83-139). چه بسا منشأ شکل‌گیری این استعاره تجربه سقوط طبیعی اجسام از بالا به پایین است. اما در بسیاری زبان‌ها، زمان در حرکت بر خط افقی مفهوم‌سازی می‌شود. در برخی زبان‌ها از جمله فارسی (و انگلیسی) این مفهوم‌سازی عمدتاً به نحوی است که شخص تجربه‌گر رو به آینده و پشت به گذشته در حال حرکت است. نمونه‌هایی از جملات زبان فارسی این نگرش را نشان می‌دهد:^۲

- تابستان را پشت سر گذاشتیم.

- آینده‌ای روشن پیش روی ماست.

چنین تصویری از زمان، بر مبنای حرکت رو به جلو در گذر زمان شکل گرفته است؛ که در آن ما به سوی آینده در حرکت هستیم (Lakoff & Johnson, 42). در مقابل این مفهوم‌سازی در زبان‌های فارسی و انگلیسی، زبان آیمارا^۳ که در نواحی کوهستانی آند در آمریکای جنوبی و کشورهای چون پرو، شیلی و بولیوی رواج دارد، تصویری وارونه ارائه می‌دهد: در آن، گذشته در برابر و آینده در پشت سر قرار می‌گیرد. با نگاهی دقیق به این زبان در چارچوب فرهنگی‌اش، روشن می‌شود که «شهودیت»^۴ جایگاهی بنیادین در آن

1. Mandarin

۲. در زبان انگلیسی نیز به طور مشابه مفهوم‌سازی گذشته در پشت سر و آینده در مقابل صورت می‌گیرد. نمونه‌هایی از آن عبارت‌اند از:

- Future lies ahead of us
- Leave the history behind.

3. Aymara
4. evidentiality

دارد (Nunez & Sweetser, 402). از این رو، اساس این جهت‌گیری زمانی را می‌توان در آگاهی از گذشته و نادیدگی و ناشناختگی آینده جست‌وجو کرد؛ چیزی که با قرار گرفتن آن‌ها به ترتیب در پیش رو و پشت سر هماهنگ است. این تفاوت، در زبان بدن نیز دیده می‌شود: در زبان‌هایی چون انگلیسی و فارسی، حرکت دست به سوی جلو بیانگر آینده است، در حالی که در آیمارا همین حرکت گذشته را نشان می‌دهد (Boroditsky, 2011: 64).

شایان ذکر است که در زبان انگلیسی، گاه عباراتی یافت می‌شود که مفهوم‌سازی زمان در آن‌ها مقابل با جریان اصلی، یعنی گذشته در جلو و آینده در پشت صورت گرفته است.^۱ زبان‌شناسان با تحلیل این رویداد زبانی باز هم بر مبنای «حرکت»، آن را نوع دیگری نگرش به زمان، به عنوان چیزی که به سوی گویشور در حرکت است دانسته‌اند (Lakoff & Johnson, 41-43). در زبان فارسی هم گاه مفهوم‌سازی بر پایه چنین تصویری مشاهده می‌شود. برای نمونه واژه «پیش» به معنای جلو، که در حوزه مفاهیم زمانی، با تصور حرکت مشاهده‌گر در زمان، به زمان بعد اشاره دارد، در برخی کاربردها، به زمان قبل دلالت می‌کند. در توضیح این مفهوم‌سازی نیز مشابه زبان انگلیسی، به تصور دیگری از زمان که لیکاف می‌گوید اشاره شده است: «زمان به مثابه چیزی که در حال حرکت به سوی مشاهده‌گر است». برای نمونه، عبارت «پیش از صبح» به معنای قبل از صبح، صبح را در حال حرکت به سوی مشاهده‌گر تصور می‌کند که زمان‌های قبلش در جهت جلوی آن است (گلفام و دیگران، ص ۶۶ و ۶۷). اما قابل توجه است که همچنان این مفهوم‌سازی بر مبنای «حرکت» انجام گرفته و بر مبنای «شهودیت» تمرکز ندارد.

۲-۳-۲. استعاره‌های مفهومی در ترجمه

در مطالعات سنتی ترجمه، بحث ترجمه استعاره‌ها غالباً به صورت جزئی‌نگریسته می‌شد و کمتر به سازوکارهای شناختی نهفته در پس آن توجه می‌گردید. با شکل‌گیری

۱. برای نمونه عبارات preceding weeks و following weeks به ترتیب به معنای هفته‌های آینده و هفته‌های گذشته به کار می‌روند.

رویکردهای شناختی در زبان‌شناسی، این دیدگاه که استعاره‌های مفهومی پدیده‌ای است که زبان و اندیشه انسان را سازمان می‌دهد، نقش چشمگیری در مطالعات نوین ترجمه یافته است. زیرا مسئله تفاوت استعاره‌های مفهومی در فرهنگ‌های مختلف، ترجمه‌پذیری را از سطح معادل‌یابی واژگانی فراتر برده و آن را به حوزه نظام‌های مفهومی و تجربه‌های زیسته گویشوران پیوند می‌زند. بر پایه دیدگاه لیکاف و جانسون، گزینش استعاره‌های مفهومی امری دلبخواه و تصادفی نیست، بلکه به تجربه‌های فیزیکی و فرهنگی انسان بازمی‌گردد (Lakoff & Johnson, p. 645).

در همین چارچوب، بسیاری از استعاره‌های مفهومی به سبب پیوند با تجربه‌های بنیادین انسانی، در زبان‌های گوناگون با تفاوت اندکی مشاهده می‌شوند و در واقع ریشه در وجوه مشترک تجربه بشری دارند. برای نمونه، استعاره مفهومی «خوب بالا است و بد پایین» در فرهنگ‌های متعدد حضور دارد و بازتاب آن را می‌توان در متون مقدس و از جمله در قرآن کریم مشاهده کرد؛ چنان‌که در آیاتی چون «وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا» (التوبه، ۴۰) و «أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا» (التوبه، ۴۹) نمود می‌یابد. بررسی ترجمه‌های انگلیسی قرآن نشان می‌دهد که در چنین نمونه‌هایی، ترجمه نسبتاً تحت‌اللفظی نیز می‌تواند انتقال معنا را به گونه‌ای قابل قبول محقق سازد (Ahmad, p. 8, 10).

اما ترجمه‌پذیری استعاره‌های مفهومی، به میزان همسانی یا ناهمسانی میان سامانه‌های مفهومی در زبان مبدأ و مقصد بستگی دارد. در مواردی که این سامانه‌ها بنا به زمینه‌های فرهنگی یا تجربی تفاوت می‌یابند، ترجمه عبارات مرتبط ناگزیر مستلزم دقت بیشتری است تا انتقال معنا صرفاً در سطح لفظ باقی نماند. به سبب نقش تعیین‌کننده تفاوت‌های فرهنگی در بازتاب و بازنمایی استعاره‌های مفهومی، تنها با در نظر گرفتن پیوند درونی این استعاره‌ها با ابعاد شناختی، زبانی و تجربی، می‌توان متن را به گونه‌ای ترجمه کرد که از منظر شناختی در ذهن گویشوران زبان مقصد، اثری نزدیک به زبان مبدأ بر جای گذارد.

۳. مفهوم‌سازی زمان در زبان عربی

تحلیل واژگان عربی نشان می‌دهد که در این زبان نیز، همانند بسیاری از زبان‌ها، زمان از طریق مفاهیم مکانی فهمیده و بیان می‌شود. بنابراین برای نشان دادن مفاهیم گذشته و آینده، از استعاره جهت‌ی استفاده می‌شود. اما نحوه به‌کارگیری این استعاره و مقایسه آن با زبان‌های فارسی و انگلیسی قابل توجه است.

در زبان عربی، ویژگی فراگیر ریشه‌محور بودن واژگان، سبب می‌شود برای تحلیل بسط معانی اولیه به معانی جدید، کل واژگان یک ریشه مورد توجه قرار گیرد.^۱ در موضوع شناخت نحوه مفهوم‌سازی زمان با استفاده از استعاره جهت‌ی (مکان) لازم است ریشه‌هایی بررسی شوند که همزمان دارای واژگانی با معانی مکانی و واژگانی با معانی زمانی هستند.

۳-۱. نمونه‌هایی از مفهوم‌سازی زمان در عربی با استعاره‌های جهت‌ی

نحوه ارتباط میان معانی زمانی و مکانی واژگان در زبان عربی، چگونگی مفهوم‌سازی زمان را با استفاده از استعاره‌های جهت‌ی نشان می‌دهد. در این بخش، شواهدی از معانی مکانی و زمانی برخی ریشه‌ها در بافت کاربردی آن‌ها در قرآن بررسی می‌شود. همچنین معانی مکانی و زمانی برخی از این ریشه‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد؛ که در حافظه کاربران زبان، بدون توجه به ارتباط میان آن‌ها و به شکل مفاهیمی مستقل ذخیره شده است تلاش شده نمونه‌هایی انتخاب شود که در مفهوم آن‌ها کمترین اختلاف وجود داشته باشد.

از پرکاربردترین ریشه‌های دارای مفاهیم مکانی و زمانی، ریشه قبل است که شامل واژه‌های قُبِلَ به معنای «جلو»، قَبِلَ به معنای «رو به»، و واژه قَبِلَ (مخالف بَعْد) می‌شود (فراهیدی، ۱۶۶/۵). معنای مکانی این ریشه در آیاتی چون «إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ»

۱. در همه زبان‌ها شکل‌گیری معانی جدید با سازوکار مجاز و استعاره، در بسیاری موارد با افزایش معانی یک واژه بدون تغییر در ظاهر واژه صورت می‌گیرد و اضافه شدن وندها به واژگان برای شکل‌گیری صیغه‌های مختلف محدودیت دارد. در زبان عربی، معانی متفاوت یک ریشه، به سبب تنوع گسترده در اوزان، از طریق قالب‌های وزنی ایجاد می‌شود. نشانه‌ای از آن، افزوده شدن باب‌های تازه در ریشه‌های پیشین در گذر زمان است.

فَصَدَقَتْ وَ هُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ» (یوسف، ۲۶) و نیز «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ» (البقره، ۱۷۷)، دلالت بر جهت روبه‌رو یا پیش‌رو دارد. در برابر آن، معنای زمانی واژه در آیات بسیاری از جمله آیه «وَ سَبَّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا» (طه، ۱۳۰). اشاره به زمانی گذشته نسبت به یک موعد خاص است. بنابراین رابطه‌ای شناختی میان جهت «روبه‌رو» و مفهوم «گذشته» در ریشه «قبل» برقرار است.

کاربردهای ریشه سبق نیز، با معنای اصلی «جلو افتادن در حرکت» (ابن‌منظور، ۱۵۱/۱۰)، بیوندی روشن میان مکان و زمان برقرار می‌کند. در نوعی بهره‌گیری از معنای مکانی این ریشه، آیاتی همچون «أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا» (العنکبوت، ۴) و یا «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» (المائده، ۴۸)، به صورت استعاری بر جلو افتادن در رقابت یا پیشی گرفتن در انجام کاری دلالت دارند. در معنای زمانی نیز، عبارت «كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ» (طه، ۹۹) به گذشته سپری شده اشاره دارد. بنابراین در ریشه سبق، مفهوم زمانی «گذشته» با معنای مکانی «جلو بودن» بازنمایی شده است.

ریشه قدم با مفهوم جلو (فراهیدی، ۱۲۲/۵) نیز در ارتباط میان مفهوم‌سازی زمان با استعاره جهتی قابل توجه است. آیه «يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَ بئسَ الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ» (هود، ۹۸)، به پیشاپیش بودن فرعون نسبت به قومش در روز قیامت دلالت دارد. عبارات «مَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ» (البقره، ۹۵) به معنای آنچه (دستانشان) در گذشته انجام داده‌اند، «لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ» (الفتح، ۲) به معنای گناهان گذشته، و «قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ» (یوسف، ۹۵) به معنای گذشته دور، به معنای مکانی این ریشه اشاره دارند. در ریشه «قدم» نیز مانند دو مورد پیشین، جهت «جلو» با معنای «گذشته» در زمان مرتبط شده است.

عبارت پرتکرار بَيْنَ يَدَيْنِ نیز در قرآن، نمونه‌ای دیگر از کاربرد استعاره جهتی در بازنمایی مفاهیم گذشته و آینده است. معنای لفظی این اصطلاح «میان دو دست» است؛ اما در زبان عربی به گونه‌ای مجازی برای اشاره به «جلو» به‌کار رفته است. برای نمونه در

عبارت «ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ» (الاعراف، ۱۷) به وضوح به جهت مکانی جلو دلالت دارد. همین تعبیر به‌شکلی استعاری در معنای زمانی «گذشته» کاربرد یافته است؛ که نمونه‌هایی از آن در «فَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةَ» (المجادله، ۱۲)، در امر به دادن صدقه قبل از نجوا با پیامبر (ص) و «مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ» (آل عمران، ۳)، در تصدیق قرآن نسبت به کتاب‌های آسمانی گذشته‌اش بازنمایی شده است. واژگان ریشه دبر نیز با کاربرد اولیه مفهومی مکانی، در بازنمایی مفاهیم زمانی کاربرد یافته‌اند. واژه دُبُر به معنای پشت، عضوی پسینی از بدن است^۱ که در آیه «فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّيْتَهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ» (محمد، ۲۷)، به معنای اولیه خود به کار رفته، که واژه «إدبار» به معنای پشت کردن در همین جهت معنایی، در قرآن کاربردهای متعدد دارد. در برخی دیگر از واژگان، در پیوند با زمان و به مفهوم آینده کاربرد یافته است. واژه «تدبیر» با مفهوم آینده‌نگری در زبان عربی، در قرآن هم در مواردی از جمله «ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ» (یونس، ۳) مشاهده می‌شود. بر این اساس ریشه «دبر» از جنبه زمانی نگاهی آینده‌محور دارد.

در ریشه عقب نیز به صورتی مشابه، از استعاره جهتی برای بازنمایی زمان استفاده شده است. واژه عَقَب به معنای پاشنه پا (فراهیدی، ۱۷۸/۱)، عضوی پسینی از بدن است که در قالب عبارت عَقَبِيَه (به معنای دو پاشنه او) و اعقاب (به معنای پاشنه‌ها) در قرآن به کار رفته است (البقره، ۱۴۳ و آل عمران، ۱۵۹). واژه عاقبة به معنای سرانجام یا آینده دور، از روشن‌ترین نمونه‌های کاربرد زمانی این ریشه است: «انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (الانعام، ۱۱). بنابراین ریشه عقب در مفهوم مکانی، جهت پشت، و در مفهوم زمانی، آینده را بازنمایی می‌کند.

۱. لغت‌شناسان معانی متعددی برای واژگان ریشه «دبر» بیان کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۶۸/۴) که هر یک به نوعی به مفهوم «پشت» بازمی‌گردد. اما بر پایه اصل بدنمندی (embodiment) در معنی‌شناسی شناختی، اولین معنای هر واژه، ارتباط نزدیکی با بدن انسان و مواجهه بدنی انسان دارد. بر این اساس از میان معانی متعدد این ریشه، اولین معنا، عضوی پسینی از بدن است.

ریشه آخر با مفهومی در تقابل با ریشه قدم (ابن منظور، ۱۲/۴) نیز در واژه «آخری» به معنای پشت، در «إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَى أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَاكُمْ» (آل عمران، ۱۵۳)، جهتی مکانی را نشان می‌دهد. همین ریشه در کاربردهای متعددی، مفهومی زمانی دارد که در مشهورترین کاربرد قرآنی، عبارات «اليوم الآخر» و «آخرة» به آینده دور اشاره دارد. همچنین فعل آخر در عباراتی چون «وَلَسْنَا أَخْرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ» (هود، ۸) به معنای به آینده انداختن است. این ریشه نیز تناظر میان مفهوم پشت با مفهوم آینده را نشان می‌دهد.

در همین چارچوب مفهومی، ریشه خلف نیز در تقابل با ریشه قدم (ابن منظور، ۸۲/۹)، پیوند معنایی میان «پشت» و «آینده» را بازتاب می‌دهد. در عبارت «فَمَا تَتَفَتَّتُهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرَّدَ بِهِمْ مَنْ خَلَفَهُمْ» (الانفال، ۵۷)، واژه خلف به روشنی بر موقعیت مکانی در جهت پشت سر اشاره دارد. اما در نمونه‌هایی مانند «لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ آيَةٌ» (یونس، ۹۲) به حوزه زمانی گسترش می‌یابد و به معنای آیندگان به کار می‌رود. دیگر کاربرد مرتبط با زمان این ریشه، واژه «خليفة» به معنای جانشین مرتبط با آینده زمانی است: «وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ» (الاعراف، ۷۴). در این نمونه نیز مفهوم زمانی «آینده» با مفهوم جهتی «پشت» بازنمایی شده است.

همچنین واژه «وراء» در مقابل ریشه قدم (فراهیدی، ۲۹۹/۸) با کاربردهای متعدد در آیات قرآن، گاه به مفهوم مکانی «پشت» دلالت دارد. این دلالت در «إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ» (الحجرات، ۴) و در تعبیری کنایی به معنای بی‌توجهی کردن در «فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ» (آل عمران، ۱۸۷) مشاهده می‌شود. همین واژه گاه برای بازنمایی مفهوم «آینده» به کار رفته است که برای نمونه می‌توان از عبارت «وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ» (المؤمنون، ۱۰۰)، یاد کرد. همچنین این واژه در یک ترکیب استعاری در مقابل واژه عاجله، و استعاره از روز قیامت به کار رفته است: «إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا» (القیامة، ۲۷). در این آیه رها کردن در پشت سر کنایه از بی‌توجهی، با مفهوم ندیدن و

مشاهده‌ناپذیری قرین شده؛ گویی مردم چون روز قیامت را نمی‌بینند، به آن بی‌توجهی می‌کنند. بنابراین در واژه وراء نیز مشابه موارد نام‌برده، مفهوم «پشت» به صورتی استعاری برای «آینده» به کار رفته است.

جدول ۱: نمونه‌هایی از ارتباط معانی مکانی و زمانی

واژگان تثبیت‌شده در عربی و کاربردهای قرآن

		معنای مکانی	معنای زمانی
کَلِمَةٌ	كَلِمَةٌ	یوسف، ۲۶	طه، ۱۳۰
		العنكبوت، ۴	طه، ۹۹
		هود، ۹۸	البقره، ۹۵
		الاعراف، ۱۷	مجادله، ۱۲
كَلِمَةٌ	كَلِمَةٌ	یوسف، ۲۷	یونس، ۳
		البقره، ۱۴۳	الانعام، ۱۱
		آل عمران، ۱۵۳	هود، ۸
		الانفال، ۵۷	یونس، ۹۲
		الحجرات، ۴	المؤمنون، ۱۰۰

نکته قابل توجه در این واژگان، استفاده از واژگان مرتبط با مفهوم پشت برای نشان دادن مفهوم نسل، و استفاده از ریشه قدم (در معنای مکانی جلو) برای اشاره به نیاکان است. در مفهوم نسل از ریشه‌های مرتبط با «جهت مکانی پشت»، واژگان دابر، عقب، خلف، و وراء در عبارات «فَقَطَّعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا» (الانعام، ۴۵)، «وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (الزخرف، ۲۸)، «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ» (الاعراف، ۱۶۹)، «وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ» (هود، ۷۱)؛ و از ریشه قدم، صفت أقدم برای پدران در عبارت «أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ» (الشعراء، ۷۶) به چشم می‌آید. این درحالی است که در

زبان فارسی، واژه «پشت» معمولاً به صورت استعاری با مفهوم نیاکان به کار می‌رود. اصطلاح رایج «هفت پشت» نمونه‌ای از این کاربرد است. مقایسه مفهوم‌سازی زمان در زبان عربی قرآن با زبان‌های دیگر، مشابهت درک مفهوم زمان با استفاده از محور خطی (مکانی) را نشان می‌دهد. شواهد واژگانی نام برده و نیز کاربردهای واژگان مکانی در مفهوم‌سازی زمان در قرآن، همگی دلالت بر نوعی مفهوم‌سازی از زمان دارد که گذشته با جهت جلو و آینده با جهت پشت بازنمایی شده است. نکته جالب توجه این است در قرآن، نمونه‌ای که به طور قطع مفهوم‌سازی‌ای عکس این داشته باشد، یافت نشد.^۱

۳-۳. تحلیل مفهوم‌سازی زمان در عربی قرآنی و مقایسه با زبان‌های دیگر

تفاوت میان مفهوم‌سازی زمان بر اساس مکان، در زبان‌های مختلف، به نگرش اهالی زبان به این مقوله مرتبط با مقوله مکان بازمی‌گردد. این مفهوم‌سازی، در یونان باستان بر اساس حرکت مداری (دستلان و همکاران، ۳۸، به نقل از Turetzky, 32-35)، در زبان

۱. شایان ذکر است هر یک از واژگان نام برده گاه غیر از استعاره در مفاهیم زمانی، مفاهیم استعاری دیگری دارد. برای نمونه واژه «وراء» در عبارت «وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ» (البروج، ۲۰)، به دلیل ویژگی جهت پشت، بدون اشاره به زمان، بر نادیده بودن دلالت دارد. واژه «إِدْبَارُ» به معنای «پشت کردن» از ریشه دبر نیز، در عبارت «وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَاحَهُ وَ إِدْبَارَ النُّجُومِ» (طور، ۴۹)، به شکلی استعاری به مفهوم ناپدید شدن به کار رفته است. در برخی نمونه‌ها در نگاه اول به نظر می‌رسد گذشته زمانی، در جهت پشت بازنمایی شده است (قاسمی و ذوالفقاری، ۱۳۴-۱۳۵). نمونه‌هایی از کاربرد واژه‌های «عَقَبَ» به معنای پاشنه به عنوان عضوی پسینی از بدن انسان، در قرآن محل بحث است: «لَنَعْلَمَنَّ مَنْ يُتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَيَّ عَاقِبَةً» (البقره، ۱۴۳)؛ «بِأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَيَّ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ» (آل عمران، ۱۴۹)؛ بازگشت بر دو پاشنه یا پاشنه‌ها، نشانگر چرخشی کامل است و تصویری از بازگشت از جهت مطلوب را ارائه می‌دهد. با دقت در این آیات، استعاره دیگری غیر از استعاره زمان-مکان مشاهده می‌شود؛ که بیان سعادت معنوی انسان با استفاده از استعاره حرکت در مسیر (در قرآن با عبارات صراط مستقیم، سبیل الله، اتباع و ...) است. در این استعاره، در مسیر خداوند آنچه در پشت سر قرار دارد، گمراهی و آنچه پیش روست هدایت است. نمونه دیگر، کاربرد «خلف»، برای کسانی است که در مسیر حرکت رو به جلو در سعادت، هنوز نرسیده‌اند: «يَسْتَشِيرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (آل عمران، ۱۷۰)؛ که در آن نیز به وضوح بر جنبه حرکت رو به جلو در مسیر رشد تأکید شده است. اگرچه گاهی این حرکت رو به رشد منطبق بر گذر زمان، و پشت کردن به رشد منطبق بر بازگشت به جاهلیت شده است، اصل بر استعاره زمان-مکان نیست و این نمونه منافاتی با مفهوم‌سازی زمان در عربی، با بازنمایی گذشته در جلو و آینده در پشت ندارد.

آیمارا بر اساس عنصر شهودیت (Nunez & Sweetser, 402)، و در زبان انگلیسی (و نیز فارسی) بر اساس برجستگی مفهوم حرکت (Lakoff & Johnson, 42)، صورت گرفته و نتایج متفاوتی در پی داشته است.

شواهدی از چگونگی بهره‌گیری از استعاره‌های مکانی برای بازنمود زمان در قرآن، و نیز واژگان عربی دال بر زمان و مکان با ریشه مشترک، فرضیه‌ای را تقویت می‌کند که در زبان عربی قرآنی، مشابه زبان آیمارا و بر خلاف زبان‌های فارسی و انگلیسی، تصویر شدن گذشته در جهت جلو و آینده در جهت پشت، بر مبنای «شهودیت» صورت گرفته است: گذشته مانند چیزی در برابر دید ما و در میدان آگاهی ماست، حال آنکه آینده در پشت ما قرار دارد و هنوز بر ما آشکار نشده است. در حالی که مفهوم‌سازی زمان در زبان‌های فارسی و انگلیسی، با تکیه بر عنصر «حرکت مستقیم»، به گونه‌ای صورت می‌گیرد که بر اساس «حرکت طبیعی روبه جلو» انسان، گذشته با پشت و آینده با جلو؛ و بر اساس «حرکت زمان به سوی مشاهده گر» به شکلی برعکس بازنمایی می‌شود.^۱

اما در زبان عربی پس از قرآن و به ویژه زمان معاصر، مفهوم‌سازی زمان بر اساس مکان، مشابه عربی قرآنی نیست.^۲ این امر در تحلیل‌های مفسران و لغت‌شناسان از وام‌گیری واژگان حوزه مکان در زمان تأثیرگذار بوده است. برای نمونه، در *لسان العرب* در مورد واژه «وراء» چنین آمده است: «اگرچه ثعلب این واژه را به معنای پشت دانسته، اما گاهی

۱. در قرآن نیز گاهی نگرشی استعاری به رویدادها، مشابه گونه‌ای از مفهوم‌سازی زمان بر اساس مکان در زبان‌های فارسی و انگلیسی، یک رویداد را موجودی در حرکت به سوی تجربه گر تصویر می‌کند: «ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ» (الشعراء، ۲۰۶)؛ که البته نتیجه مفهومی آن، با تمرکز زبان عربی قرآنی بر «شهودیت» در استعاره مکان-زمان، همخوانی دارد. برای نمونه در عبارت‌های «وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ» (الاعراف، ۵۷) و «إِنَّ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ» (سبأ، ۴۶)، رویدادهای باران (رحمت) و جهنم (عذاب)، در حرکت به سوی مشاهده گر، نشانه‌هایی (باد/ پیامبر) دارند که جلوتر از آن‌ها (ببینَ يَدَيْ)، خیر (بشارت/ هشدار) از رسیدنشان می‌دهد. در این موارد جایگزینی عبارت «بین دیدن» با «قبل» (که در مواردی غیر از این استعاره نیز رایج است) تعارضی با مفهوم کلی عبارت‌ها ایجاد نمی‌کند.

۲. پژوهش‌های انجام شده در زبان‌های عربی مراکشی و سعودی حجازی معاصر نشان می‌دهد که در این زبان‌ها آینده در جلو و گذشته در پشت تصویر می‌شود (de la Fuente, p. 1683; Almirabi, p. 844).

هم به معنای جلو است؛ مثلاً من وراء جهنم» (ابن منظور، ۱۹۳/۱). همچنین در شرح واژه «خلف» در عبارت «یعلم ما بین ایدیهم و ما خلفهم»، از قول زجاج گفته شده: «خَلَفَهُمْ، ما قد وقع من أعمالهم؛ و ما بین ایدیهم، من أمر القیامة و جمیع ما یکون» (همان، ۸۲/۹). نیز بر همین اساس عده‌ای واژه «وراء» را، که در حوزه مکان به معنای پشت و در حوزه زمان، بر آینده دلالت می‌کند، از اضداد دانسته‌اند (طیب حسینی، ۱۷۳)؛ چرا که بر پایه نگرش نام برده، قاعدتاً باید مفهوم «جلو» به معنای آینده باشد.

در موضوع تفاوت میان زبان قرآن و زبان عربی معاصر در نحوه مفهوم‌سازی زمان بر اساس مکان، به عنوان یک فرضیه، اثر اختلاط فرهنگ‌های مختلف و گرت‌برداری‌های زبانی در عربی مورد توجه است. این اختلاط فرهنگی ناشی از گسترش اسلام به سرزمین‌هایی با پیشینه زبانی و فرهنگی متفاوت، سبب شده استعاره‌های کنونی در عربی آمیزه‌ای از سنت‌های مختلف باشند. به ویژه این که آموزش زبان عربی و فرهنگ‌نویسی در این زبان، در بسیاری موارد از سوی فارس‌ها تدوین شده است. مشابهت زبان‌های فارسی و انگلیسی در این مفهوم‌سازی را نیز می‌توان اشتراک آن‌ها در زبان مادر هندواروپایی دانست؛ درحالی که زبان عربی، از خانواده زبان‌های سامی، با ریشه آفروآسیایی است.^۱

ع. ارزیابی ترجمه‌های فارسی قرآن در استعاره مفهومی زمان - مکان

واژگان حوزه مفهومی مکان در قرآن که مفهوم مکانی ندارند، در ترجمه‌های فارسی به انحاء مختلفی منعکس شده‌اند. از آنجا که تنها مورد مشابه زبان عربی در مفهوم‌سازی مکان - زمان در فارسی، واژه‌های پیش (جلو) و پس (پشت) به معنای گذشته و آینده

۱. بازنمایی زمان گذشته در جلو و زمان آینده در جهت پشت، در واژگان سایر زبان‌های سامی نیز قابل مشاهده است. در عبری، واژه *qedem* (קדם) با معنای مکانی «جلو» در معنای زمانی «گذشته» (Gesenius, p. 744)؛ و واژه *acharīt* (אחרית) برگرفته از ریشه *achar* (אחר) به معنای «پشت»، در بسیاری از متون عبری به معنای «آینده» یا «فرجام امور» آمده است (Brown, Driver & Briggs, p. 31). در زبان سریانی نیز با همین ساختار مفهومی، واژه *qadmāyā* (ܩܕܡܝܝܐ)، از ریشه *qadam* (ܩܕܡ) به معنای «جلو»، در معنای زمانی بر «گذشته» دلالت دارد و واژه *batrāyā* (ܒܬܪܝܝܐ)، از ریشه *batar* (ܒܬܪ) به معنای «پشت»، در معنای آینده و «پس از آن» به کار می‌رود (Payne Smith, pp. 62, 493).

است، پیشنهاد می‌شود در ترجمه واژگان مکانی عربی با مفهوم جلو در معنای قبل و با مفهوم پشت در معنای بعد، از این دو واژه به گونه‌ای استفاده شود که بتوان هر دو معنای مکانی و زمانی را به درستی منتقل کرد. در بخش حاضر تعدادی از این واژگان عربی در قرآن، در شش ترجمه برجسته شامل انصاریان، صفوی (بر اساس تفسیر المیزان)، رضایی، فولادوند، مشکینی و مکارم بررسی می‌شوند.

واژه قبل به راحتی در ترجمه‌ها مطابق با ریشه این واژه به معنای جلو، با واژه «پیش» قابل برگردان است و مترجمان در موارد بسیاری برای ترجمه آن از همین واژه استفاده کرده‌اند. در ریشه «آخر» به دلیل رواج مفهوم زمانی این واژه در زبان فارسی برخلاف مفهوم مکانی (پشت)، ترجمه‌ها عموماً به مفهوم‌سازی زمان بر اساس مکان اشاره نکرده‌اند. برای نمونه واژه آخرنا در عبارت *وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ (هود، ۸)*، در همه ترجمه‌های نام برده، «تأخیر انداختیم» معنا شده است. واژه عاقبت از ریشه «عقب» نیز در زبان فارسی، با مفهوم زمانی شناخته می‌شود و از این رو بدون توجه به استعاره مکان- زمان برگردان شده است.

واژه وراء کاربردهای متعدد مکانی و استعاری دارد. در کاربردهای استعاری این واژه برخی صرفاً بازنمود زمان است و برخی دیگر تأکید بر معانی دیگری دارد. در ترجمه «وراء» در آیه *وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاَهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ (هود، ۷۱)*، انصاریان، رضایی، مکارم معنای زمانی «پس از» را ذکر کرده‌اند. فولادوند و صفوی با عبارت «از پی» و مشکینی با عبارت «پشت سر» به نظر می‌رسد «وراء» را بر اساس استعاره‌ای غیر زمانی و با تصور حرکت فرزندان به سمت دنیا ترجمه کرده‌اند. مشابه همین مفهوم را در آیه *«وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا» (مریم، ۵)* مشاهده می‌کنیم؛ که همه شش مترجم نامبرده، متفقاً «من ورائی» را «پس از خود» معنا کرده‌اند. در آیه *«مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمَ وَ يُسْتَقَىٰ مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ» (ابراهیم، ۱۶)*، انصاریان و فولادوند واژه «وراء» را بر اساس مفهوم‌سازی زمان بر اساس مکان در زبان

فارسی (آینده جلوست)، «پیش رو» معنا کرده‌اند. صفوی با عبارت «از پی» و رضایی، مشکینی و مکارم، با عبارت «به دنبال»، با تصویر جهنم به عنوان موجودی پنهان که کافران را تعقیب می‌کند، این واژه را بر اساس مفهوم مکانی ترجمه کرده‌اند. اگرچه آیه «وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (المؤمنون، ۱۰۰) مشابه آیه پیشین است، مترجمان نام برده متفاوت عمل کرده‌اند. انصاریان، صفوی، فولادوند، مشکینی، با تکیه بر استعاره آینده جلوست، مفهوم این واژه را «پیش رو» (پیشاپیش یا فرارو)، و مکارم با توجه به معنای لغوی واژه و نیز پوشیده بودن برزخ، «پشت سر» ذکر کرده است. در آیه «إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا» (الانسان، ۲۷) نیز، انصاریان و صفوی، وراء را «پیش رو» و سایر مترجمان با تأکید بر غفلت و بی‌توجهی (با توجه به فعل يَذَرُونَ)، پشت سر معنا کرده‌اند. همان گونه که در مفهوم‌سازی زمان در زبان عربی، شهودیت نقش مهمی دارد، واژه وراء در سه آیه اخیر، علاوه بر مفهوم آینده، بر مفهوم نامحسوس بودن هم تأکید ویژه دارد. به نظر می‌رسد ترجمه واژه «وراء» به گونه‌ای که هم استعاره مفهومی متناسب با زبان فارسی رعایت شود و هم مانند متن اصلی پنهان بودن رخداد مورد توجه قرار گیرد، امکان‌پذیر نیست. به منظور برگردان تأکید این آیات که غفلت انسان از عذاب آینده است، می‌توان از عبارت «از پس» استفاده کرد که در زبان فارسی هم بر مفهوم پوشیدگی دلالت دارد و هم یادآور عبارت «پس از» با مفهوم آینده زمانی در فارسی (بر مبنای حرکت رخداد به سوی مشاهده‌گر) است.

در ترجمه عبارات «بین یدین» و «خلف» مترجمان متفاوت عمل کرده‌اند. در معنای عبارت «بین یدین» در عبارت پرتکرار «مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ» (البقره، ۹۷) در وصف قرآن، در همه ترجمه‌های نام برده، «پیش از» یا «پیشین» ذکر شده است؛ که هر دو هم بر گذشته و هم بر جهت جلو دلالت دارد. عبارت «مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ» (البقره، ۲۵۵)، در برخی ترجمه‌ها تقریباً به روشی تحت‌اللفظی، «پیش رو و پشت سر آمده» برگردان شده است (فولادوند)، در توضیح بیشتر این عبارت، گاه بدون اشاره به زمان، بر آشکار و پنهان

بودن تأکید شده (انصاریان و صفوی) و گاه بر اساس مفهوم‌سازی زمان در فارسی، به ترتیب به آینده و گذشته اشاره شده است (رضایی و مشکینی). برخی نیز در ترتیب بیان زمان، اول گذشته و سپس آینده را ذکر نموده‌اند (مکارم). از آنجا که در این عبارت قرآنی، بدون تصریح بر زمان، بر آگاهی خداوند به جهت جلو و پشت اشاره شده، می‌توان آن را مستقل از زمان و با تأکید بر امور محسوس و نامحسوس دانست (انصاریان) که در کلام برخی مفسران نیز به آن اشاره شده است (قاسمی، ۱۹۱/۲؛ ابن عاشور، ۲۴۸/۱۷). اما در صورتی که اصرار بر بیان مفهوم زمانی برای این عبارت باشد، هم بر اساس مفهوم‌سازی زمان در عربی قرآن و هم طبق روال طبیعی آگاهی بر گذشته پیش از آینده، این ترتیب پذیرفته است (مکارم). واژه «خلف» همچنین در آیه «فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِيَدَيْكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ آيَةً» (یونس، ۹۲) در ترجمه صفوی، رضایی و مشکینی «پس از تو»، فولادوند «از پی تو» و انصاریان و مکارم «آیندگان» ترجمه شده؛ که عبارت «پس از تو»، به دلیل انطباق بیشتر با مفهوم زمانی و مکانی این واژه در فارسی، مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

«ما قد سبق» در مفهوم زمانی در عبارت «أَنْبَاءٍ مَا قَدْ سَبَقَ» (طه، ۹۹) در ترجمه‌های انصاریان و صفوی «گذشته»؛ فولادوند و مکارم «پیشین»؛ و رضایی و مشکینی «آنچه گذشته» معنا شده است. در ترجمه این عبارت، به منظور حفظ ساختار لفظی و نیز انتقال مفهوم، «آنچه پیش تر رخ داده» پیشنهاد می‌شود.

ریشه قدم در عبارت «مَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ» (البقره، ۹۵) در ترجمه‌های رضایی، صفوی، مشکینی و مکارم با عبارت «پیش فرستاده‌اند»، انصاریان «مرتکب شده‌اند» و فولادوند «از پیش کرده‌اند» برگردان شده است. به نظر می‌رسد با توجه به تأکید عبارت «قَدَّمَتْ» بر مفهوم گذشته، و نه بر مفهوم آینده، بهترین ترجمه «از پیش کرده‌اند» است. شاهدی بر این مدعا عبارت «مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ» (فتح، ۲) است. غیر از رضایی که با عبارت «مقدم شده» عملاً ترجمه فارسی نیاورده است، سایر مترجمان نام‌برده آن را به معنای «گذشته» دانسته‌اند؛ که برای انطباق با مفهوم‌سازی زمان در فارسی، «پیشین» پیشنهاد

می‌شود. از این ریشه واژه اقدم در عبارت «آبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ» (الشعراء، ۷۶) را، صفوی به «پیش‌ترین»، مشکینی به نیاکان، و سایر مترجمان «پیشین» ترجمه کرده‌اند. واژه قدیم در «ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ» (یوسف، ۹۵) نیز در ترجمه‌های انصاریان و رضایی و فولادوند «دیرین و دیرینه»، صفوی «گذشته»، مکارم «سابق» و مشکینی «قدیم» (بدون ترجمه) آمده است که برای تطبیق بیشتر با زبان مبدأ و مقصد و لحاظ استعاره مفهومی زمان-مکان پیشنهاد می‌شود در این مورد هم از واژه «پیشین» استفاده شود.

واژه دیگری در حوزه مفهومی مکان، که در قرآن تنها یک بار به کار رفته، «أمام» به معنای مقابل، در عبارت «بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ» (القیامة، ۵) است. برگردان مترجمان از این عبارت قابل بررسی است:

بلکه انسان می‌خواهد [با دست و پا زدن در شک و تردید] فرارویش را [از اعتقاد به قیامت که بازدارنده‌ای قوی است] باز کند [تا برای ارتکاب هر گناهی آزاد باشد!] (انصاریان).
بلکه او می‌خواهد آینده عمرش را به فسق و گناه بگذراند، این است که رستاخیز را دروغ می‌شمرد (صفوی).

بلکه انسان می‌خواهد که پیش رویش (در آینده) خلافاکاری کند (رضایی).
ولی نه، انسان می‌خواهد که در پیشگاه او فسادکاری کند (فولادوند).
بلکه انسان می‌خواهد هر چه (در عمر) پیش رود گناه کند (مشکینی).
بلکه او می‌خواهد (آزاد باشد و بدون ترس از دادگاه قیامت) در تمام عمر گناه کند (مکارم).
بر اساس نحوه مفهوم‌سازی زمان بر اساس مکان در قرآن یعنی گذشته در جلو و آینده در پشت، واژه أمام (روبه رو) به معنای آینده به کار نرفته است. بنابراین ترجمه‌های رضایی، مشکینی و مکارم که واژه أمام را به مفهوم زمانی آینده دانسته‌اند پذیرفته نیست. فولادوند، با توجه به آیه قبل که قدرت خداوند را در ساختن انگشتان دست یادآور می‌شود، ضمیر «ه» در أمامه را به خداوند ارجاع داده، أمام را به معنای پیشگاه (مقابل) در مفهومی غیر زمانی، و فعل يَفْجُرُ را به معنای ثانوی گناه کردن (غیر از معنای اولیه گشودن)

برگردانده است. اما انصاریان، امام را به معنای «فرارو» و یفجر را به معنای لغوی «باز کردن» می‌داند و مفهومی استعاری به آیه نسبت می‌دهد؛ که با توجه به آیه بعد «يَسْئَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ» (القیامة، ۶)، که لحنی طعنه آمیز در پرسش از زمان قیامت دارد، به نظر تناسب بیشتری دارد.

ترجمه پیشنهادی برای آیه چنین است: «بلکه انسان می‌خواهد آنچه را در مقابل (در اختیار) دارد، به راحتی بگشاید (و هر گونه خواست و بی هیچ حدود و ثغوری رفتار کند)». شایان ذکر است مفهوم گشودن که معنای اولیه برای فعل يَفْجُرُ است، در این آیه به سمت معنای فجور به معنای گناه متمایل شده است. در نظریه شبکه‌های شعاعی در معنی‌شناسی شناختی، در تغییر معنای یک واژه از یک معنا به معنای دیگر، بیان می‌شود که همواره می‌توان جملاتی در زبان پیدا کرد که هر دو معنا را در خود داشته باشد (Tyler & Evans, p.198). به طور کلی ارزیابی عملکرد مترجمان در ترجمه استعاره مفهومی مکان-زمان، اولاً آشکار می‌سازد که هیچ یک، شیوه یکسانی در مورد واژگان ذکر شده به کار نبرده‌اند. ثانیاً عدم رعایت شیوه هماهنگ به نحوی است که عدم توجه ویژه به مفهوم‌سازی زمان بر اساس مکان در عربی قرآنی و تفاوت آن با عربی معاصر را نشان می‌دهد.

نتایج مقاله

۱. در مفهوم‌سازی زمان با استفاده از مفاهیم عینی‌تر همچون مکان، در زبان‌های مختلف، شیوه‌های متفاوتی مشاهده می‌شود. مفهوم‌سازی رایج زبان‌های فارسی و انگلیسی، گذشته را در جهت پشت و آینده را در جهت جلو تصویر می‌کند. هرچند در زبان عربی معاصر نیز شواهدی همسو با این الگو دیده می‌شود، دو دسته شاهد فرضیه عدم اصالت این نوع مفهوم‌سازی را در زبان عربی کهن تقویت می‌کند: نخست، وجود ریشه‌هایی در زبان عربی که واژگانی با معانی تثبیت‌شده در هر دو حوزه زمان و مکان دارند؛ و دوم، کاربردهای قرآنی واژگان دارای دو معنای زمانی و مکانی که نشان می‌دهد مفهوم‌سازی

زمان بر پایه مکان، به گونه‌ای دیگر صورت گرفته، که «گذشته در پیش رو» و «آینده در پشت» بازنمایی شده است. نمونه‌هایی از این دست را می‌توان در ریشه‌های قبل، سبق، قدم، دبر، عقب، آخر، خلف؛ و نیز عباراتی چون وراء و بین یدین مشاهده کرد.

۲. عامل تفاوت الگوی مفهوم‌سازی زمان بر اساس مکان در زبان عربی قرآن، نسبت به زبان‌های فارسی و انگلیسی، تفاوت در مبناست. در حالی که در زبان‌های فارسی و انگلیسی، مبنای این مفهوم‌سازی، عنصر «حرکت رو به جلو» است، در عربی قرآنی توجه به عنصر «شهودیت» بروز دارد؛ که مشابه چنین الگویی را می‌توان در زبان آیمارا مشاهده کرد. به نظر می‌رسد همانندی مفهوم‌سازی زمان در زبان عربی معاصر با زبان‌های فارسی و انگلیسی، حاصل اختلاط فرهنگی و گرت‌برداری‌های زبانی است.

۳. ارزیابی عملکرد شش مترجم برجسته قرآن (انصاریان، صفوی، رضایی، فولادوند، مکارم و مشکینی)، در موضوع ترجمه استعاره مفهومی مکان - زمان در واژگان نام برده، نشان می‌دهد که اولاً هیچ یک در سراسر اثر خود از شیوه یکسانی پیروی نکرده‌اند و ثانیاً توجه ویژه‌ای به تفاوت میان الگوی مفهوم‌سازی زمان بر پایه مکان در عربی قرآنی و عربی معاصر - که با فارسی و انگلیسی همسوست - نداشته‌اند. به طور ویژه واژه تکامد «امام» در قرآن، در بسیاری ترجمه‌ها به معنای زمانی آینده برگردان شده است؛ در حالی که نتایج این پژوهش، معنای مکانی «جهت جلو» را در بافت کاربردی نشان می‌دهد که به صورتی استعاری در مفهوم «در اختیار بودن» به کار رفته است.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم به ترجمه‌های حسین انصاریان، محمدعلی رضایی اصفهانی، محمدرضا صفوی، محمد مهدی فولادوند، علی مشکینی و ناصر مکارم شیرازی.
۲. ابن عاشور، محمدطاهر، التحرير و التنوير، بيروت: مؤسسه التاريخ العربی، ۱۳۹۴ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بيروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۴. افراشی، آزیتا، مبانی معناشناسی شناختی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۵ش.
۵. دستلان، مرتضی؛ محمدابراهیمی، زینب؛ مهدی بیرق‌دار، راضیه؛ روشن، بلقیس، «زمان دستوری در زبان فارسی؛ نگاهی نو بر پایه یک الگوی شناختی آرمانی»، تازه‌های علوم شناختی، سال ۱۷، ش ۱، صص ۳۵-۴۵، ۱۳۹۴ش.
۶. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الإیتقان فی علوم القرآن، بيروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۱ق.
۷. طبیب حسینی، سید محمود، مفردات قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۲ش.
۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العين، ۹ جلدی. قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۹. قائمی، مرتضی؛ ذوالفقاری، اختر، «مطالعه مدل‌های شناختی زمان در متن قرآن براساس نظریه استعاره مفهومی»، انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، ش ۵۰، صص ۱۲۳-۱۴۴، ۱۳۹۸ش.
۱۰. قاسمی، جمال‌الدین، محاسن التأویل، بيروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق.
۱۱. گلفام، ارسلان؛ آفاگل‌زاده، فردوس؛ عاصی، مصطفی؛ یوسفی‌راد، فاطمه، «دو استعاره مفهومی متفاوت، مبنای دو معنای متضاد: مطالعه موردی واژه پیش»، نامه فرهنگستان، سال ۱۰ شماره ۴، ۱۳۸۷ش.
12. Ahmad, H. M. (2022). "The Translation of Orientational Metaphors in Qur'an: A Cognitive Base Study". *British Journal of Translation, Linguistics and Literature*, 2(3), 2-16.
13. Almirabi, M. M. (2021). "How Much of the FUTURE Is BEHIND in Arabic? A View on the Arabic Culture and Embodiment", *Journal of Language Teaching and Research*, 12(5), 844-852, DOI: <http://dx.doi.org/10.17507/jltr.1205.25>
14. Boroditsky, L. (2011). "How Language Shapes Thought". *Scientific American*, 304(2), 62-65.
15. Brown, F., Driver, S. R., Briggs, C. A. (1906). *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*. Oxford: Clarendon Press.
16. de la Fuente, J., Santiago, J., Román, A., Dumitrache, C., Casasanto, D. (2014). "When you think about it, your past is in front of you: how culture shapes spatial conceptions of time", *Psychological Science*, 25(9): 1682-90. DOI: 10.1177/0956797614534695.
17. Gesenius, W. (1847). *Hebrew and Chaldee Lexicon to the Old Testament Scriptures*. London: Samuel Bagster.
18. Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). *Metaphors we live by*. Chicago: University of Chicago Press.
19. Nunez, R. E., & Sweetser, E. (2006) "With the Future behind Them: Convergent Evidence from Aymara Language and Gesture in the Crosslinguistic Comparison of Spatial Construals of Time", *Cognitive Science*, 30: 401-450.
20. Payne Smith, Jessie. 1903. *A Compendious Syriac Dictionary*. Oxford: Clarendon Press.
21. Yu, N. (1998). *The Contemporary Theory of Metaphor: A Perspective from Chinese*. John Benjamins Publishing Company.